



«تفقه» در قرآن به معنای فهم عمیق از دین؛ یعنی دین‌شناسی است

. نقد متون علوم اسلامی (تأثیرپذیری فلسفه اسلامی از قرآن)

«تفقه» در قرآن به معنای فهم عمیق از دین؛ یعنی دین‌شناسی است به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، حجت‌الاسلام و المسلمین «غلامرضا فیاضی»، عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، در گفت‌وگو با

سرویس اندیشه، در مورد تعریف فلسفه اسلامی گفت: در مورد تعریف فلسفه، به نظر ما همان نظر علامه طباطبایی صحیح است و تقریباً در بین فلاسفه قرن اخیر پذیرفته شده است. لذا در تعریف فلسفه باید گفت فلسفه اسلامی از «هستی» از آن جهت که «هستی» است و از احکام «هستی» از آن جهت که «هستی» است بحث می‌شود. مثل اینکه هستی دارای مبدأ است، «هستی‌ها» تقسیم به واجب و ممکن می‌شود، «واجب» مبدأ هستی است و ممکنات همه وابسته به واجب‌اند، رابطه علیت بین موجودات برقرار است و نتیجه این حرف این است که عالم، عالم متکثر است، ولی تکثری که در موجودات در طول همانند، نه در عرض هم، نظیر دایره‌هایی که در یک دایره بی‌نهایت موجودند.

این مدرس حکمت صدرایی در حوزه علمیه قم، جایگاه فلسفه در اسلام را چنین معرفی کرد: جایگاه فلسفه در جهان اسلام را قرآن مشخص می‌کند: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً قُلُوبًا نَعَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»؛ مطابق آنچه علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌فرماید، چون در ابتدای آیه نهی به کار رفته است: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا»؛ یعنی مؤمنین حق این را که تمام آنها برای رفتن به جهاد در خدمت رسول‌الله (ص) بسیج شوند را ندارند، به عبارت دیگر «همه نباید بروند» چرا که «قُلُوبًا نَعَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»؛ لذا عده‌ای از مؤمنین برای عالم شدن در دین، باید کوچ کنند. «تفقه» در این آیه، به معنای فهم عمیق از دین است. مردم نسبتاً دین را می‌شناسند، ولی عالم شدن در دین وظیفه‌ای عظیم‌تر از وظیفه جهاد است. لذا باید افرادی به جبهه نروند و به تحصیل در امور دینی بپردازند تا دانشمند در دین شوند و معرفت دینی پیدا کنند.

وی با بیان اینکه دین سه بخش و اصل با اصول عقاید است، گفت: دین دارای سه بخش: (1) عقاید (2) اخلاق (3) احکام است. اصول دین غیر از فروع است و اصل بودن عقاید میان علما اتفاق نظر و از مسلمات اسلام و مسلمین است.

مؤلف «چیستی و هستی در حکمت صدرایی»، در باب مقایسه میان احکام و اخلاق، اصل را به اخلاق داد و گفت: با مراجعه به متون دینی آشکار می‌شود که اخلاق مقدم بر احکام است، چرا که «الحسد يأكل الإیمان» نشان از این دارد که اگر رذیله حسد ملکه انسان شود، تمام اعمال را می‌سوزاند، مانند آتشی که در کشتزار می‌افتد.

وی در بیان وظیفه محوله به احکام و اخلاق گفت: احکام به ظواهر، تنظیم روابط اجتماعی و تنظیم رابطه فرد با خدا مربوط می‌شود، در حالی که وظیفه اخلاق ساختن خود انسان است؛ یعنی انسانیت انسان را پرورش می‌دهد و شکوفا می‌کند. به همین علت است که امام (ره) فرمود تزکیه قبل از تعلیم؛ یعنی انسان ابتدا باید درونش را بسازد و بعد به دنبال عقاید و احکام برود. لذا به ترتیب اولویت این سه بخش دین عبارتند از: (1) اعتقادات (2) اخلاقیات (3) احکام.

فیاضی در ادامه به شرح «لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» پرداخت و اظهار کرد: در قرآن ذکر شده است: «لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»؛ بنا به نظر مفسرین کلمات قرآن نباید به معنای اصطلاحی که بعدها پیدا می‌شود حمل کرد، بلکه باید بر معنای لغوی‌اش حمل کرد، لذا تعبیر «تفقه» در قرآن، به معنای «تلاش برای فهم عمیق در دین» است.

مدرس کرسی تدریس اسفار در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در مورد مراحل تفقه در دین تأکید کرد: تفقه در دین دارای سه مرحله است؛ مرحله اول: شناخت و تبیین و اثبات عقاید دینی، مرحله دوم: تقریر عقاید و مرحله سوم: تبیین و تقریر احکام.

وی در بیان معنای تفقه به کار رفته در قرآن تصریح کرد: «تفقه» به معنای قرآنی‌اش با آنچه امروز برای معنای تفقه در میان مسلمین اصطلاح شده است، متفاوت است، بلکه معنای تعبیر «تفقه» در قرآن به معنای «دین‌شناسی» است.

استاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) در مورد توجه قرآن به اعتقادات و احکام خاطر نشان کرد: وقتی به نص قرآن رجوع می‌کنیم، معلوم می‌شود که فقط 500 آیه از آیات قرآن مربوط به احکام است و مابقی قرآن راجع به اعتقادات و اخلاقیات است؛ یعنی قرآن در نظر دارد که اعتقادات و اخلاقیات انسان را تصحیح کند. لذا اگر حجم آیات قرآن را مورد ملاحظه قرار دهیم، روشن می‌شود که باید توجه بیشتری به اعتقادات و اخلاقیات شود.